



ذمینه‌های وقوع انقلاب اسلامی در ایران

عکس در صورتی که عملکرد و روش بسته، خلاف قانون، غیرپاسخ‌گو و خشن باشد، تحولات سیاسی عمیق و ریشه‌ای صورت می‌پذیرد. تحول نوع اول که مسالمت‌جو است باعث اصلاح دولت و نظام می‌شود و نقاط ضعف حاکمیت را بدون هیچ گونه هزینه‌ای برطرف می‌سازد، در صورتی که تحول نوع دوم که ریشه‌ای، عمیق و گاهی اوقات قهرآمیز است موجب انقلاب می‌شود که تغییر رژیم سیاسی، قانون اساسی و تمام امور مهم کشور را در پی دارد. در جوامعی که نهادهای مدنی و به ویژه احزاب سیاسی برای پاسخ‌گویی به خواسته‌های مردم وجود دارد، انقلاب به وقوع نمی‌پیوندد. تداوم بدون مشکل حاکمیت یک نظام سیاسی، ارتباط مستقیمی با مشروعيت، کارآمدی و دارا بودن پایگاه اجتماعی قوی دارد، به گونه‌ای که این

تحولات سیاسی به مجموعه تغییراتی اطلاق می‌شود که بر دولت و حاکمیت تأثیرگذار باشد و باعث تغییر در روش، شکل و یا محتوای دولت حاکم گردد. این تحولات می‌تواند مسالمت‌آمیز یا قهرآمیز باشد و همچنین می‌تواند از داخل حاکمیت یعنی از بالا و یا از بدنه جامعه یعنی گروه‌های خارج از قدرت صورت پذیرد. در نهایت، تحولات می‌تواند سطحی و محدود بوده و یا این که عمیق‌ترین تغییرات را در سطح جامعه به وجود آورد، تحولاتی که شامل تغییر قانون اساسی، تغییر رژیم سیاسی، تغییر طبقه حاکم، نظام اقتصادی و ... خواهد بود. نوع و شکل تحول سیاسی ارتباط تنگانگ با عملکرد و روش دولت حاکم دارد یعنی هر اندازه این دولت باز، قانون‌گرا، پاسخگو و تحمل‌پذیر باشد، تحولات نیز مسالمت‌آمیز و در سطح خواهد بود و بر

و ایدئولوژی مخالفان را می‌پذیرد و انقلابی بزرگ را شکل می‌دهد. جذبیت ایدئولوژی مخالفان برای مردم و کاریزما بودن رهبری انقلاب نقش اساسی در پیوستن مردم به انقلاب در حال ظهر دارد.

با نگاهی دقیق به ماهیت رژیم شاهنشاهی، عملکرد، روش و نحوه تعامل آن با مردم ایران به راحتی می‌توان به این نتیجه رسید که هیچ کدام از الگوهای تحولی که در بالا به آن اشاره شد، در مقابل این رژیم کارساز نبوده و تنها الگوی کارساز همان انقلاب است که تحول عمیق و ریشه‌ای طلب می‌کند.

رژیم شاه و به ویژه شخص او یکی از دیکتاتورهای منطقه خاورمیانه بود که دوست صمیمی آمریکا، غرب و اسراییل به حساب می‌آمد. شخص شاه در هیچ انتخاباتی شرکت نکرده بود و هیچ گونه مشروعینی از جانب آرای مردم به دست نیاورده بود. او فقط به دلیل ولیعهد رضاخان بودن به پادشاهی رسیده بود که حکومت آن پدر هم خود نامشروع بود.

امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران در زمان ورود به کشور و در بهشت زهرا به خوبی این موضوع را مورد توجه قرار داد و تأکید کرد که بر فرض که پدران ما به چنین رژیمی رأی داده باشند ما آن را قبول نداریم و آن را مشروع نمی‌دانیم. امام با این جمله خواسته میلیون‌ها انسان را که برای مدت‌ها به خیابان‌ها آمده و سقوط رژیم را دنبال می‌کردند، بیان نمود و مهر تأییدی بر مشروع نبودن رژیم شاهنشاهی زد.

واقعیت این است که اکثریت مردم ایران با استفاده از تجربیات تاریخی یک صد سال گذشته

عوامل تا زمان حضور خطر سقوط را از بین می‌برد و تضعیف نظام را نیز خنثی می‌کند. در صورت خدشه‌دار گردیدن یک یا چند عامل فوق زمینه ضعف و تزلزل در رژیم ایجاد شده و در صورت تداوم به فروپاشی آن منجر می‌گردد.

مشروعيت نظام از طریق مشارکت مستقیم و فعال مردم در حاکمیت و به وسیله آرای آن‌ها در انتخابات سالم و آزاد حاصل می‌شود. در این چارچوب مردم می‌توانند دولت و پارلمان را انتخاب و هر زمان که خواستند به تغییر آن‌ها رأی دهند. کارآمدی دولت از طریق به کارگیری نخبگان، متخصصان، دانشمندان و علمای هر رشته به دست می‌آید و از این طریق خواسته‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مردم تأمین می‌شود.

تأمین نیازها و خواسته‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مردم از جمله آزادی، عدالت، توسعه، امنیت و ... باعث گسترش پایگاه اجتماعی نظام گردیده و خطر ضعف، تزلزل و فروپاشی را منتفي می‌سازد.

در نقطه مقابل بحران مشروعيت و ناکارآمدی رژیم، عامل ایجاد بحران در حاکمیت شده و ضعف مدیریتی شدید ایجاد می‌کند. این پدیده به مرور زمان نارضایتی توده‌ها را به دنبال دارد که در نهایت، پایگاه اجتماعی رژیم را از بین می‌برد. در چنین شرایطی رژیم از داخل خود فروپاشیده و کوچک‌ترین ضربه‌ای می‌تواند آن را ساقط کند.

پایگاه اجتماعی رژیم متزلزل حاکم که در اثر بحران مشروعيت و ناکارآمدی از آن جدا شده به مرور زمان جذب مخالفان رژیم می‌گردد، رهبری

حاکم گشت و کلیه افراد ایرانی موظف به عضویت در این حزب شدند. شخص شاه در مصاحبه‌ای گفت هر کس نمی‌خواهد عضو حزب رستاخیز شود، باید ایران را ترک نماید. این حد از اجبار و خشونت حتی در کشورهای کمونیستی که شاخص حکومت‌های دیکتاتوری بودند دیده نمی‌شد، زیرا در آن کشورها مردم مجبور نبودند یا عضو حزب کمونیست باشند و یا این که ترک وطن کنند.

با اجرای چنین روش‌هایی، کوچک ترین مخالفتها با شدیدترین برخوردها از جانب رژیم شاه مواجه می‌گشت و سازمان امنیت جهنمی شاه -ساواک - مأمور اجرای این سیاست بود. در چنین شرایطی نه تنها حزب، گروه سیاسی و روزنامه غیر دولتی وجود نداشت بلکه هر گونه اجتماع فرهنگی مذهبی جرم تلقی می‌شد. جلسات حسینیه ارشاد و سخنرانی‌های افرادی مثل دکتر علی شریعتی تعطیل گردید و هر کدام از افراد روحانی که کوچک‌ترین حرف خاص دینی می‌زندند منع از منبر می‌شدند. در این شرایط، کتاب و کتابخوانی جرم تلقی می‌گردید و از نظر ساواک دانشجویی بدون مشکل و مسئله بود که هیچ گونه فعالیت غیر درسی نداشته و به تفريحات آن زمان پردازد. مطالعه نهج‌البلاغه حضرت امام علی^(۴) از نظر ساواک کاری خلاف تلقی می‌شد و کتاب دکتر شریعتی در صورت همراه بودن دو سال زندان داشت. کتابخانه‌های دانشجویی و انجمن‌های اسلامی در دانشگاه‌ها تعطیل شد و سیاست سرکوب و مشت آهنین شاه اجرا می‌گردید.

در چنین شرایطی، پاسخ‌گو بودن و تحمل پذیر بودن دولت و به ویژه شخص شاه یک شوخی

در طول حدود دو سال تمامی حاکمیت رژیم شاه را هدف گرفته و با شعار نابودی رژیم زمینه لازم را برای طرح مساله توسط رهبر خود فراهم کرده بودند.

رژیم شاه نه تنها خود مشروعيت نداشت بلکه ارگان‌های وابسته به آن که در قانون اساسی شاهنشاهی به آن‌ها اشاره شده بود نیز موضوعیت خود را از دست داده بودند. مهم‌ترین این ارگان‌ها مجلس شورای ملی بود که می‌بایست نمایندگان آن از طریق رأی مستقیم مردم انتخاب شوند. در دوره‌های آخر مجلس شورای ملی و حتی قبل از آن نحوه برگزاری انتخابات به گونه‌ای بود که حتی خود نمایندگان هم می‌دانستند غیر مشروع هستند و فقط منتخبان فرمایشی می‌باشند. این روش آن اندازه تکرار شده بود که دیگر هیچ مصلحی نیز امید به اصلاح امور از طریق برگزاری انتخابات در رژیم گذشته نداشت. روش حکومتی شاه نه تنها برخلاف قانون اساسی همان رژیم بود بلکه تمام عملکرد آن خلاف قانون و ناقص حقوق مردم در زمینه‌های مختلف بود. این روش‌ها که نارضایتی مردم و نخبگان جامعه را به دنبال داشت باعث ایجاد جو رعب و خفقان در کشور گردید. تشکیل سازمان امنیتی مخوف ساواک که بر تمام امور کشور و سرنوشت مردم احاطه داشت، نتیجه اتخاذ سیاست سرکوب هر گونه مخالف و مخالفت بود.

در چارچوب این سیاست احزاب مخالف جایی برای فعالیت نداشتند و احزاب خودی نیز به مرور زمان منحل و از میان آن‌ها یک حزب واحد به نام رستاخیز بیرون آمد که ساخته دست شخص شاه بود. با اتخاذ این روش حکومت تک حزبی بر ایران

او معتقد بود همین که افراد وفادار هستند، کافی است و نیازی به برخورد با مفسدان اقتصادی رژیم نمی‌باشد.

ترجیح روابط بر ضوابط در تشکیلات دولتی رژیم شاه واقعیتی انکارنپذیر بود و به همین دلیل هیچ کدام از ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی که مأمور انجام کار برای مردم بودند، جز با رشوه کاری انجام نمی‌دادند و اصطلاح پول چای برای پیشرفت کار نشان دهنده نحوه عملکرد ارگان‌های دولتی رژیم شاه بود.

اختلاف طبقاتی و محروم بودن اکثر مردم از مواهب اقتصادی کشور ویژگی بارز رژیم سلطنتی بود. در این دوران، اقلیتی محدود در حاکمیت همراه با هزار فامیل و بخش بسیار کوچکی از جامعه درصد بالایی از منابع و ثروت کشور را در اختیار داشتند و اکثریت جامعه با کمترین درآمد و محرومیت از امکانات، گذران زندگی می‌کردند. این اکثریت انتظار روزی را می‌کشیدند که حق خود را از رژیم حاکم که ثروت‌های کشور را به صورت غیرقانونی تصاحب کرده بود، بازپس گیرند.

رژیم شاه که در سیاست داخلی روش سرکوب و عدم تحمل هر مخالفی را در پیش گرفته بود، در سیاست خارجی بسیار باز عمل می‌کرد. او در جهان دو قطبی حاکم خود را به یک قطب وابسته کرده بود و در تمام مسایل بین‌المللی در چارچوب منافع غرب عمل می‌کرد. در این چارچوب، آمریکا به عنوان رأس کشورهای غربی تعیین کننده استراتژی‌های سیاست خارجی رژیم شاه بود و برنامه عمل رژیم سلطنتی را تعیین می‌کرد. برقراری روابط دوستانه با اسرائیل و تأمین نفت این کشور

سیاسی بیش نبود. تعداد زندانیان سیاسی که با جرم‌های بسیار کوچک به حبس محکوم شده بودند به جایی رسیده بود که حتی کشورهای غربی حامی شاه را به عکس العمل کشانده بود. شاه از ترس سؤال در مورد زندانیان سیاسی معمولاً به مصاحبه با خبرنگاران خارجی رضایت نمی‌داد و بعضی اوقات که مجبور به انجام این کار می‌شد در مقابل سؤال تعداد زندانیان سیاسی وجود شکنجه در زندان‌ها پاسخی روشن نداشت و به همین دلیل بسیار عصبانی می‌شد.

فرهنگ جامعه ایران فرهنگی دینی و اسلامی است و مردم ایران نسبت به اهانت و بی‌توجهی به دین می‌بین اسلام بسیار حساس هستند. این نکته در رژیم شاه مورد توجه قرار نمی‌گرفت و اقداماتی انجام می‌گردید که احساسات دینی مردم را جریحه‌دار می‌کرد. هجوم فرهنگ غربی همراه با حرکت به طرف مدنیزاسیون که شخص شاه و دربار مروج آن بودند، ناهنجاری‌هایی را به وجود آورد که مردم را به مخالفت شاه با اسلام و ارزش‌های دینی معتقد نمود و آنان را به این نتیجه رساند که شاه مأموریتی جز حاکمیت فرهنگ غربی در کشور و از بین بردن فرهنگ دینی ندارد. فساد در ابعاد مختلف اقتصادی و فرهنگی در رژیم شاه بیداد می‌کرد. شخص شاه در این فساد درگیر بود و فروش سرمایه اصلی کشور - نفت - را به گونه‌ای تنظیم کرده بود که از آن متنفع باشد. هیچ پروژه بزرگ در کشور اجرا نمی‌شد مگر این که درصدی از این پروژه به نام دربار شاهنشاهی ثبت گردد. نکته جالب توجه این که شخص شاه در مورد فساد مالی اعضاء دولت اصلاً حساس نبود.

دادند و انقلاب اسلامی ایران را به پیروزی رساندند. این انقلاب که اندیشه اسلامی را ایدئولوژی و امام خمینی را رهبر و مردم ایران را به عنوان پایگاه اصلی خود انتخاب کرده بود، تغییراتی اساسی در کشور ایجاد نمود که در سرمهالهای سال‌های گذشته به طور مفصل به آن اشاره شده است اما نکته بسیار اساسی در این مورد، به کارگیری روش‌های مسالمت‌آمیز هم چون تظاهرات و اتخاذ شعارهای انسان دوستانه همچون گل در برابر گلوله و یا برادر ارشی چرا برادرکشی و مهمنت از همه عدم به کارگیری اسلحه و کشتار نیروهای نظامی شاه که در مقابل انقلاب صفت کشیده بودند، از ویژگی‌های باز انقلاب اسلامی ایران بود. این ویژگی زمانی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد که تعریف انقلاب را دقیق‌تر مورد بررسی قرار دهیم. این تعریف که توسط دانشمندان علوم سیاسی ارایه شده، نفس انقلاب را با خشونت و قلع و قمع و در مقیاس بسیار وسیع می‌دانند و آن را در این شرایط یک امر طبیعی به شمار می‌آورند، در صورتی که رهبری انسانی امام خمینی همراه با شفقت اندیشه اسلامی مانع از انجام حرکتی شد که تمامی متخصصان آن را امری طبیعی می‌دانند.

نشریه دارویی رازی بیست و نهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران را گرامی می‌دارد و پیگیری اهداف مقدس این انقلاب را آرزو دارد.

دکتر سید محمد صدر

به ویژه در شرایطی که کشورهای اسلامی و عربی رژیم صهیونیستی را تحریم کرده‌اند، از سیاست‌های ضداسلامی شاه بود که به توصیه امریکا انجام می‌گرفت. این سیاست حساسیت جهان اسلام را نسبت به کشور عزیز ایران برانگیخت و فاصله‌ای نامشهود بین برادران مسلمان در سطح جهان ایجاد می‌کرد.

رژیم شاه که ادعای قدرت در خلیج فارس داشت و خود را به عنوان ژاندارم منطقه و یکی از پایه‌های ثبات و امنیت در این منطقه معرفی می‌کرد، در مقابل خواست انگلیس و آمریکا مبنی بر مستقل شدن بحرین و جدا شدن این جزیره از ایران هیچ‌گونه مقاومتی نکرد و به راحتی تسليم درخواست آنان گردید. این اقدام که نتیجه‌اش جدا شدن بخش مهمی از خاک ایران بود در شرایط صلح و نه پس از یک جنگ طولانی و خسارات فراوان بر ایران تحمل گردید. این خیانت به آب و خاک مقدس ایران دلیلی جز بی‌لیاقتی و وابستگی شخص شاه و رژیم او به بیگانگان نداشت.

مجموعه این شرایط مشروعیت رژیم سلطنتی را به مور زمان و به طور کامل از بین برد و زمینه را برای ایجاد یک تحول سیاسی آماده نمود. از آنجا که روش و عملکرد رژیم شاه بسیار خشن و استبدادی بود، اجازه تحول آرام و مسالمت‌آمیز را نمی‌داد و تا زمان شروع انقلاب کلیه حرکت‌های مسالمت‌آمیز و آرام سیاسی و فرهنگی با قدرت تمام سرکوب شده بود. بنابراین، بسیار طبیعی بود که راهی جز یک انقلاب عمیق و تغییرات ریشه‌ای و اساسی وجود نداشت و این کاری بود که مردم ایران با رهبری منحصر به فرد امام خمینی انجام

